

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

ملاحظه فرمودید که اشکالی که در جریان معاطات در رهن مطرح است این است که از آنجا که رهن، عنوان لزوم را دارد و اجماع داریم بر اینکه عقود لازم، محتاج به لفظ است، در نتیجه نباید معاطات در رهن جریان پیدا کند و اگر هم بگوییم با قطع نظر از اجماع، با حقیقت رهن که عبارت از استیثاق است سازگاری ندارد. جواب محقق نائینی (ره) را از این اشکال ذکر کردیم و بر کلام ایشان دو اشکال بیان نمودیم، لذا جواب ایشان برای ما قابل قبول نیست.

جواب محقق خوئی (ره)

محقق خوئی (قده) در کتاب مصباح الفقاهه، ج 1، ص 233 می‌فرمایند که اجماع یک دلیل لَبّی است و در دلیل لَبّی باید بر قدر متیقّن اکتفا شود و قدر متیقّن در اینجا، یعنی آن عقودی که تَتَّصِفُ بِاللِزُومِ تَارَةً وَ بِالْجَوَازِ أُخْرَى. فرض کنید اطلاق خود عقد اقتضای لزوم می‌کند اما با یک عوارض دیگر اقتضای جواز می‌کند، که در نتیجه عقودی که فی حد ذاته خودش اقتضایی ندارد، فی حد ذاتها اقتضای لزوم ندارد، بلکه تَارَةً تَتَّصِفُ بِاللِزُومِ وَ تَارَةً أُخْرَى تَتَّصِفُ بِالْجَوَازِ. قدر متیقّن اجماع، این عقود است. وقتی می‌گوییم اجماع داریم که عقود لازم، متوقف بر لفظ است، مراد از این عقود، چنین عقودی است. یعنی عقودی که در عالم خارج، دو نوع واقع می‌شود؛ تَارَةً لَازِمٌ وَ تَارَةً جَائِزٌ.

حالا شارع می‌گوید اگر خواستید عقد را بنحو لازم منعقد کنید، محتاج به لفظ است. در نتیجه عقودی که ذاتا اقتضای لزوم را دارد، مثل عقد رهن، که اگر ما لزوم را از آن بگیریم، این فایده‌ای ندارد و رهن نیست، از معقد اجماع خارج است. می‌فرماید اگر علم به خروج هم نداشته باشیم لا اقل شک می‌کنیم. ما یک اجماعی داریم و این اجماع، معقدی دارد، اجماع هست بر اینکه عقود لازم، محتاج به لفظ است، نمی‌دانیم آیا این عقود شامل عقد رهن که ذاتا اقتضای لزوم دارد، می‌شود یا نمی‌شود، همین مقدار که ما شک کنیم کافی است در اینکه در معقد اجماع داخل نباشد. محقق خوئی (ره) این را بعنوان جواب اول ذکر کرده‌اند و در آخر کلامشان می‌فرمایند اجماع در صورتی برای ما حجّیت دارد که کاشف از رأی معصوم (ع) باشد و در چنین موردی یا بگوییم چون ادله‌ی دیگری وجود دارد، احتمال مدرکی بودنش هست، این کاشفیت از رأی معصوم (ع) را ندارد. این خلاصه جواب محقق خوئی (ره) است.

نقد استاد بر جواب محقق خوئی(ره)

ما بر جواب ایشان ملاحظه‌ای داریم؛ اولاً معقد اجماع اطلاق دارد، معقد اجماع می‌گوید «العقود اللازمة»، این عقود لازم، اعم از عقدی که بحسب اطلاقش اقتضای لزوم دارد، یا عقدی که به حسب ذاتش اقتضای لزوم را دارد. پس معقد اجماع اطلاق دارد و جایی که معقد اجماع اطلاق دارد، مجالی برای قدر متیقن گیری نیست.

شما یک وقت می‌گویید اجماع داریم بر یک امری، می‌گوییم اجماع دلیل لبی است، اگر در موردش شک کردیم که یک اجماع در آن مورد هست یا نه، اینجا باید به دلیل لبی قدر متیقن گیری کنیم. اما در کلمات خود شما و کلمات فقها این مطلب زیاد است که اگر در یک موردی معقد اجماع اطلاق داشت، دیگر جای قدر متیقن گیری نیست. اینجا اجماع داریم بر اینکه «العقود اللازمة»، این «العقود اللازمة» اطلاق دارد، چه عقود لازم بالاطلاق، و چه عقود که طبیعتشان اقتضای لزوم می‌کنند، این متوقف بر لفظ است. ما در ادله لبی می‌گوییم باید قدر متیقن گیری کنیم، مثلاً می‌گوییم سیره عقلانی قائم شده بر حجیت خبر واحد، می‌گوییم آیا خبر واحد در امور مهم یا غیر مهم؟ اینجا بعضی می‌گویند سیره عقلانی دلیل لبی است.

در دلیل لبی باید قدر متیقن بگیریم، ما نمی‌دانیم از ابتدا سیره عقلانی بر حجیت چه خبر واحدی منعقد شده است؟ آنجا ممکن است کسی قدر متیقن گیری کند. اما در اینجا می‌گوییم «الاجماع قائم علی توقف العقود اللازمة»، عقود لازمه اطلاق دارد، اطلاقش همه اینها را شامل می‌شود. اما اشکال دوم بر محقق خوئی(قده) این است که ما عرض کردیم اشکال جاری در رهن، فقط مسأله اجماع نیست. در رهن به حسب ذاتش و حقیقتش - چون می‌گویند «الرهن وثيقة للدين» - اقتضا می‌کند که بگوییم در آن معاطات جریان ندارد.

محقق خوئی(ره) اصلاً این را حلّ نکرده است. یعنی به نظر می‌رسد یک بُعد مهم اشکال که محقق نائینی(ره) آن را حلّ کرده‌اند و دیروز جواب محقق نائینی(ره) را خواندیم، بالاخره ایشان یک راهی را طی فرمودند، و لو ما در آن مناقشه کردیم اما محقق خوئی(ره) به این جهت دوم اشکال که حالا حقیقت رهن استیثاق است، اگر بخواهد معاطات در آن جریان پیدا کند، توجهی فرموده‌اند. عرض می‌کنم که در باب رهن اگر ما معاطات را مفید لزوم دانستیم - که ما همین را هم اختیار کرده‌ایم - مشکلی وجود ندارد، یعنی همه این مشکلات در فرضی است که فقیهی معاطات را مفید لزوم نداند و بگوید جایز است. اما اگر کسی مثل مشهور، مثل محقق ثانی(ره) و قبل از ایشان که قائل به ملکیت جایز می‌شدند در معاطات، آیا با فرض جواز اینجا می‌شود رهن معاطاتی واقع شود؟

ما عرض کردیم که بله، و حرف مهم ما و اضافه‌ای که داشتیم این شد که گرچه حقیقت رهن استیثاق است، اما استمرار این استیثاق وجهی ندارد. وجهی ندارد که بگوییم عین مرهونه باید تا آخر باشد. حالا اگر عین مرهونه را مرتهن برگرداند یا تلف شد، اگر عین مرهونه در ایام رهن به تلف سماوی از بین رفت، موضوع رهن از بین می‌رود و دیگر چیزی نیست. ولی آیا کشف از این می‌کند که رهن هم از اول باطل بوده؟

خیر، ما دلیلی بر استمرار استیثاق نداریم. شاهد سوم اینکه وقتی رهن، عین مرهونه را در اختیار مرتهن گذاشت، ارزش داشت، دو روز بعد ارزشش از صد تومان شد ده تومان. چنانکه الان در زمان ما این اتفاق افتاد، در زمان ما در سال گذشته عده‌ای رفتند از بانکها قرض گرفتند، کسی هست که رفته صد میلیون تومان قرض گرفته، سند خانه‌ای را بعنوان وثیقه برده گذاشته که آن موقع صد میلیون تومان ارزش داشته، اما الان - این را خود بانکی‌ها نقل می‌کنند - همان شده پنجاه میلیون تومان. یا فرض کنیم بیاید پایینتر، آیا این سبب می‌شود بگوییم رهن باطل شده است؟ خیر، علی القاعده رهن محقق شده است و صحیحاً هم محقق شده است، و لو بعد قیمت پایینتر بیاید، و لو تلف شود، رهن واقع شده است. می‌خواهم بگویم معنایش این نیست که استمرار هم داشته باشد، در حین رهن این استیثاق محقق بوده یا نبوده؟

من می‌خواهم عرض کنم استیثاقی که در باب رهن هست، همان حین رهن باشد کافی است. و لو بعدا استیثاق از بین برود، ما دلیلی بر اینکه این استیثاق تا روز آخر هم باید باشد، نداریم. الان همین قضیه وام بانک، گاهی اوقات سندها رسیده به یک سوم قیمت، اما رهن به قوت خودش باقی است. به نظر من اگر حتی قائل به جواز در معاطات هم شویم، معاطات در رهن هم جریان پیدا می‌کند. همان حین الرهن که استیثاق حاصل شد، همین کافی است و محقق می‌شود و منافاتی ندارد. بحث مسأله 10 تمام شد، که در این مسأله بحث در این بود که معاطات در چه عقودی جریان دارد و در چه عقودی جریان ندارد.

مسأله یازدهم: «وکالت در بیع»

در مسأله یازدهم بحث در این است که آیا بیع وکالت بردار هست یا نه؟ چون ما کتاب البیع تحریر را می‌خوانیم، در مسأله یازدهم دو بحث است، یکی اینکه وکالت بردار هست یا نه؟ دوم اینکه آیا دو طرف عقد را می‌تواند یک نفر عهده دار شود یا نه؟ یعنی یک نفر هم وکیل از طرف بایع و هم وکیل از طرف مشتری باشد و خرید و فروش کند. یک بحث خیلی مهمی است که در چه عقودی وکالت جریان دارد و در چه عقودی جریان ندارد؟ بهترین کسی که دیدم در این مورد بحث کرده – و توصیه می‌کنم این کتاب را یک دور مباحثه کنید – العناوین مرحوم میر فتح نراقی (ره) در سال 1250 هجری از دنیا رفته، بسیار کتاب دقیقی است.

اولین مرتبه من این کتاب را از والد راحل‌مان (ره) شنیدم، ایشان هم خیلی از این کتاب تعریف می‌کردند. در این بحث من خیلی از کتب فقها را دیدم که چه کسی مفصل وارد این بحث شده است؛ که چه عقدی توکیل بردار است و چه عقدی توکیل بردار نیست، کسی که خیلی خوب بحث کرده، ایشان در عنوان 41 است. این کتاب دو جلد است، این دو جلد عناوین مختلفی دارد؛ فقهی، اصولی، عمدتا هم فقهی و اصولی است، هم قواعد فقهی در آن هست و هم قواعد اصولی در آن هست، بسیار کتاب مهمی است.

بحث اخلاقی: منابع مطالعاتی طلبه

یکی از نکاتی که ما طلبه‌ها باید به آن توجه داشته باشیم این است که چه مطالعه کنیم؟ گاهی اوقات می‌بینیم که طلبه‌ای یک کتابی را که به درد عوام از مردم می‌خورد مطالعه می‌کند. این بد نیست، هرچه باشد، اخلاقی باشد، تفسیری باشد، برای همه مفید است. بالاخره اینطور نیست که ما مستغنی هستیم. من یادم می‌آید در منزل ما وقتی یک منبری، منبر می‌رفت، والد ما (رض) مثل یک مستمع گوش می‌دادند.

گاهی اوقات می‌گفتم اینگونه که ایشان نگاه می‌کند خسته نشده‌اند؟ وقتی منبری پایین می‌آمد، گاهی تشویق می‌کردند و گاهی اوقات هم می‌فرمودند این را اشتباه گفتی، این را اشتباه گفتی. همیشه همینطور بود. انسان باید هر جا رفت به همه چیز توجه کند، منبری، سخنرانی می‌کند، مداح شعر می‌خواند، غالبا مداح شعر می‌خواند، ما به مضامین آن هم توجه نمی‌کنیم، و حال آنکه باید توجه داشته باشیم. اما یک مسأله اصلی این است؛ ما که می‌خواهیم یک ساختمان علمی برای خودمان درست کنیم، این روشها برای ما ساختمان علمی درست نمی‌کند، بنیان علمی درست نمی‌کند. کسی که در طریق علم است، یا کسی که در طریق اخلاق است، باید توجه داشته باشد. یک وقت استاد ما آقای حسن زاده (حفظه‌الله) می‌فرمودند در بحث اخلاقی، طلبه باید مفتاح الفلاح شیخ بهائی (ره) را یکدوره ببیند، عدة الدّاعی را ببیند، اقبال سید (ره) را ببیند. می‌فرمودند من مفتاح الفلاح را ملاحظه کردم، دیدم عمل به همین مفتاح الفلاح شیخ بهائی (ره) خیلی کار مشکلی است؛ صبح این کار انجام شود و این خوانده شود، ظهر این انجام شود و... بزرگان ما خیلی موفق بوده‌اند. دقت کنید؛ ما باید برای اخلاق، یک دوره کتب متخلّقین به اخلاق الهی را از اول تا آخر ببینیم.

اقبال سید(ره) را ببینیم. آیا تا به حال شده یک دور اقبال سید را مطالعه کرده باشیم. شب قدر می‌بینیم مفاتیح کم دارد، می‌توانیم برای دعا و انکار، به اقبال سید مراجعه کنیم. در مسائل علمی نیز همینطور، در مسائل حدیثی نیز به همین منوال. مثلاً برای خودتان برنامه‌ریزی کنید که از الان تا ده سال دیگر حتماً یک دوره اصول کافی را بخوانید.

واقعاً یک طلبه وقتی موفق است که بصورت جامع، یک مروری بر مجموع روایات، چه روایات اعتقادی، چه روایات فروع داشته باشد. توصیه می‌کنم حتماً یک دوره اصول و فروع کافی را جزو برنامه‌هایتان قرار دهید. در میان این کتابهای مهم، در کتابهای فقهی، یکی از کتابهایی که مهم است؛ جواهرالکلام است. واقعاً طلبه باید یک دوره جواهر را از اول تا آخر ببیند. در اصول دیگر، اصول متقن، غیر از این درس اصولی که دارید و کار می‌کنید تحقیق می‌کنید. این که عرض می‌کنم یک برنامه فوق‌العاده‌ای است، یک دوره کتاب اصولی را مطالعه‌ای داشته باشید. من گاهی اوقات یکی از دعاهایم همین بوده که خداوند به انسان توفیق دهد که بیشتر در کتابخانه باشد، آنگاه می‌بیند که واقعاً چه معارفی است. انسان یک دور باید نهج‌البلاغه را از اول تا آخر ببیند. اما متأسفانه ندیده‌ایم. باید یک دور صحیفه سجادیه را از اول تا آخر ببینیم. گاهی فکر می‌کردم کتابهایی را که هر طلبه باید یک دور از اول تا آخر ببیند، ردیف کردم، که اگر نبیند واقعاً انسان احساس غبن و ضرر می‌کند. حالا باز خودتان در کتابهای اعتقادی، در کتابهای تفسیری، مثلاً در تفسیر تأکید می‌کنم حتماً یک دور مجمع البیان یا تفسیر المیزان را از ابتدا تا انتها ببینید. ما که توفیق نداشتیم شاگرد اینها باشیم و محضرشان را درک کنیم، چه راهی وجود دارد برای اینکه الان شاگرد اینها باشیم؟! راهش این است که با کتاب ایشان مأنوس باشیم. یک برنامه‌ای برای خودتان قرار دهید. دنیای الان ما، دنیای برنامه‌ریزی است.

باید برای چهار سال، پنج سال، و بیست سال برنامه‌ریزی کرد. این روش خیلی خوب است، اصلاً اگر این نباشد نمی‌شود. با این حجم وسیع امور و تزامم امور و مشکلاتی که وجود دارد، اگر انسان برنامه نداشته باشد نمی‌شود. باید با برنامه جلو برود. برنامه بریزید که بعد از ده سال این یک دوره فقه را مطالعه کنیم، این یک دوره تفسیر و این یک دوره اخلاق را مطالعه کنیم. حتماً تصمیم بگیرید مفتاح الفلاح شیخ بهائی(ره) را ببینید. اربعین و چهل حدیث امام(رض) را حتماً یک دوره ببینید. انسان وقتی چهل حدیث امام(ره) را می‌بیند کاملاً احساس می‌کند پای درس اخلاق امام(ره) نشسته است. باید چنین کتابهایی را مطالعه کرد. من گاهی اوقات می‌گویم این کتابها محصول عمر یک نفر است، کسی که باحساب جلو آمده است. علامه(ره) یک آدم معمولی نبوده که یک چیزی به ذهنش برسد و بردارد بنویسد و منتشر کند. امروز هم که الان کتابها متأسفانه اینگونه شده است. ولی آنها اینطور نبودند. آنها یک عمر خودشان را علماً و عملاً درست کردند، نتیجه آن در همین کتاب است. مرحوم کلینی(ره) این همه زحمت کشیده و نتیجه‌اش در همین کافی است. همچنین از کتابهایی که من خیلی تأکید دارم ببینید؛ «روضة المتقین» مرحوم مجلسی(ره) است که در شرح تهذیب است. مرحوم مجلسی(ره) چه دقتهایی دارد؛ در سند روایات، در حل و جمع بین روایات. الان «روضة المتقین» اصلاً در ذهن طلبه‌های ما نیست. واقعاً بحثهای عمیق مهمی در «روضة المتقین» وجود دارد. من خیلی از نکات مهم قواعد فقهی را از آنجا استفاده کرده‌ام. ببینید کسانی که یک عمر زحمت کشیده‌اند و محصول داشتند، کتابهای اینها را بگیریم، کتاب اینها در کتاب خانه‌تان باشد. طلبه‌ای که هنوز درست نمی‌داند فرق بین تفسیر و تأویل چیست، تفسیر می‌نویسد. نمی‌خواهم بگویم این ارزشی ندارد، اما شما وقت تان را صرف آن نکنید. یا اعتقادات می‌نویسد، یا رجال می‌نویسد. من دیده‌ام از این کتاب و از آن کتاب جمع کرده و یک کتاب رجالی درست کرده است. علی‌ای حال؛ واقعاً یکی از چیزهایی که ما طلبه‌ها باید دقت کنیم؛ این است که چه چیزی مطالعه کنیم که اگر نکنیم مغبون خواهیم شد. إن شاء الله خداوند همه را حفظ کند.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.